

Research Article

Comparative Study of Love Components in the Roman *Tight door* by André GIDE and the Book *Forty Short Letters to My Wife* by Nader Ebrahimi

Majid Yousefi Behzadi¹, Maryam Rafizadeh^{2*}

Abstract

André Gide (1869-1951) and Nader Ebrahimi (1815-1897) are contemporary writers who have focused on the element of love based on spiritual motives and expressing their human feeling in (*Tight door*) and (*Forty short letters to my life*). Love in the writing of these two writers is not limited to emotions and attachment, and as a major motif (subject) for expressing their opinions and ideas, they are, in fact, considered good and evil. Gide to show love representing the kind moral dependence in personality Alissa that he know to continue a mental rejoicing, moreover Ebrahimi believe this stability to be formed in union between virtue and respect internal. These two writers have made a link between love and sacrifice, which is more significant in the character of Alissa in (*Tight door*). From this perspective, in their writings and letters, they have spoken of love for sacrifice, spouse and loyalty, whose mystical, yet wise, attitude of love and affection is associated with the importance of love in social-family relationships. In this article love components, mention in Gide and Ebrahimi writings, will be considered by American school(similarities and contrasts) to show both writers with different attitudes towards love try to discover new concept of love.

Keywords: Love, Ebrahimi, Comparative Literature, Sacrifice, Gide

1. Faculty member of the Department of Foreign Languages (France), Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran Science and Research University, Tehran, Iran

2. PhD student of French language and literature, Islamic Azad University, Tehran Science and Research University, Tehran, Iran
zah.khosravi@iauctb.ac.ir

Correspondence Author: Maryam Rafizadeh

Email: marie_r85paris@yahoo.com

DOI: 10.30495/CLQ.2022.694315

Receive Date: 06.04.2020

Accept Date: 07.10.2020

بررسی تطبیقی مؤلفه‌های عشق در رمان درتنگ اثر آندره ژید و کتاب چهل نامه کوتاه به همسر نادر ابراهیمی

مجید یوسفی بهزادی^۱، مریم رفیع زاده^{۲*}

چکیده

آندره ژید (۱۸۶۹-۱۹۵۱) و نادر ابراهیمی (۱۳۱۵-۱۳۸۷) از نویسندگان شاخص معاصرند که بنا بر انگیزه‌های معنوی و بیان احساسات انسانی خود، در رمان درتنگ و چهل نامه کوتاه به همسر به عنصر عشق پرداخته‌اند. عشق در نوشتار این دو نویسنده به عواطف و دلبستگی محدود نمی‌شود و به‌عنوان یک موتیف اساسی در بیان نظرات و اندیشه‌های آن‌ها مطرح شده و درحقیقت ملاک سنجش خوبی‌ها و بدی‌ها شده‌است. این دو نویسنده میان عشق و فداکاری پیوند برقرار کرده‌اند که این مهم در شخصیت آلیسا در درتنگ بارزتر است. ژید در شخصیت آلیسا عشق را نوعی وابستگی معنوی نشان داده که تداوم آن را یک شادمانی فکری می‌داند، درحالی‌که ابراهیمی اعتقاد دارد پایداری آن در پیوند میان تکریم و تقوای درونی شکل می‌گیرد. از این منظر، در نوشته‌ها و نامه‌هایشان از عشق به ایثار، همسر و وفاداری سخن رانده‌اند که نگرش عرفانی و درعین حال، حکیمانه آن‌ها با زبان مهر و محبت تداعی‌کننده اهمیت عشق در مناسبات اجتماعی- خانوادگی است. در این مقاله، با بررسی مؤلفه‌های عشق در نوشتار ژید و ابراهیمی، از منظر مکتب آمریکایی (قربانها و تضادها)، نشان داده شده که دو نویسنده با نگرش‌های متفاوت نسبت به عشق در تکاپوی کشف مفهومی تازه از آن هستند.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، عشق، ابراهیمی، ژید، درتنگ، چهل نامه کوتاه به همسر

۱. عضو هیئت علمی گروه زبانهای خارجی (فرانسه)، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
ایمیل: marie_r85paris@yahoo.com نویسنده مسئول: مریم رفیع زاده

DOI: 10.30495/CLQ.2022.694315

۱. مقدمه

در ارتباطات فرهنگی- ادبی عصر حاضر عنصر عشق از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار است؛ زیرا پیروی از درک واقعی عشق و بازتاب آن در زندگی انسان معاصر، همواره دستاوردهای فکری- اجتماعی فراوانی به همراه داشته‌است. از این منظر، با خوانش رمان در تنگ (La Porte étroite) آندره ژید (۱۸۶۹-۱۹۵۱) و کتاب چهل نامه کوتاه به همسر (Les Nourritures terrestres) از نادر ابراهیمی (۱۳۱۵-۱۳۸۷) دریافتیم که تشابهات و اشتراکاتی وجود دارد که می‌تواند الگوی مناسبی برای پژوهشی تطبیقی باشد تا بتوانیم به مفهوم عشق در اندیشه‌های آن‌ها پی ببریم. درون‌مایه اصلی هر دو اثر عشق است که در مؤلفه‌هایی مانند عشق به ایثار، عشق به همسر و عشق به وفاداری مطرح می‌شود. از دیدگاه ژید، انسان آزاد، انسانی است که عشق‌ورزی کند و در بیان احساسات خویش صادق باشد و آن هم از طریق خودباوری میسر می‌گردد. رمان در تنگ نماد تقابل میان عشق عرفانی و ایمان افراطی است، به گونه‌ای که ایثار و از خودگذشتگی قهرمان آن کمال‌گرایی را مبدل به یک نوع چالش معنوی می‌کند: تقدس با ناآگاهی دینی در تضاد است.

گرچه رفتار افراطی آلیسا (Elissa) ابهامی در درک عشق به خدا فراهم می‌سازد، ولیکن می‌توان فداکاری او را در بیان رضا براهنی موجه دانست:

«مولوی عارفی همجنس‌پرست است، خداوند را در خود می‌بیند و با هویت مشابه او عشق می‌ورزد. آیا عرفان برای عارف نوعی همجنس‌بازی معنوی با خدا نیست؟ مولوی رقصان و چرخان با او عشق‌بازی می‌کند و در عین حال او را کشف می‌کند. مولوی مسئول روح خویش است و از آنجاکه بزرگ‌ترین شاعر جهان است، در مقابل روح بشر مسئول‌ترین فرد نیز هست» (براهنی، ۱۳۷۱: ۲۲۳).

در رمان چهل نامه کوتاه به همسر، ابراهیمی با کلام حکیمانه خود ارزش واقعی عشق را در مفاهیمی همچون صداقت، ایمان و دوستی نشان می‌دهد و بر این باور است که پیوند میان آن‌ها یکی از ارکان اصلی سعادت اخروی است: عشق‌ورزی پایه و اساس تحول فردی است. از نگاه ابراهیمی عشق و ایثار، وفاداری و صداقت نه تنها دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند، بلکه می‌تواند در تحقق آرمان‌های بشری و ایده‌آل‌ها در قبال فرد و جامعه مهم تلقی شود. باتوجه به این نکات، بر آن شدیم با بهره‌گیری از مکتب آمریکایی تطبیقی به ویژگی‌های مشترک دو نویسنده بپردازیم و نشان دهیم هم‌گرایی آن‌ها در بیان عشق واقعی تا چه میزان در رشد و اعتلای انسان اهمیت دارد. از این رو، تلاش می‌کنیم در دیالوگ‌های آلیسا و ژروم (Jérôme) و نگارش نامه‌های ابراهیمی به همسرش، به بررسی مؤلفه‌های عشق و قیاس آن‌ها در کلام معنوی آندره ژید و نادر ابراهیمی بپردازیم.

۱.۱. بیان مسئله

این مقاله بر آن است از نگاه مکتب آمریکایی (قرابت‌ها و تضادها) به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: الف) مؤلفه‌های عشق تا چه حد در شکل‌گیری تفکرات معنوی و اخلاقی ژید و ابراهیمی مهم بوده‌اند؟ ب) چگونه عشق به‌عنوان موهبتی الهی در دیدگاه آن‌ها نسبت به تکامل فردی، تجلی می‌یابد؟

ج) اشتراکات و تضادهای فکری ژید و ابراهیمی در قبال عشق کداماند؟

۲. پیشینه پژوهش

راجع به مطالعه تطبیقی آثار آندره ژید و نادر ابراهیمی از منظر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی (تأثیرگذاری و اثرپذیری) تاکنون هیچ کار پژوهشی انجام نشده است و این پژوهش به طور کامل، کاری جدید است. اما به نظر می‌رسد که این مشابهت با رویکرد مکتب آمریکایی تطبیقی نیز می‌تواند مورد توجه و بررسی قرار گیرد. بر اساس جست‌وجوها و اطلاعات به دست آمده، آثار هر دو نویسنده به عنوان متون پندآمیز و حکیمانه همواره توسط محققان مورد توجه بوده و موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. از نمونه این پژوهش‌ها، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «چگونگی تداوم معنا در چهل نامه کوتاه به همسر»، (۱۳۹۰)، مقاله پژوهشی، حمیدرضا شعیری و دینا آریانا، نقد ادبی، دوره ۴، شماره ۱۴. «بررسی معنویت در اثر در تنگ»، (۱۳۸۸)، مقاله تخصصی، شیما حضوری، گلستانه، شماره ۱۰۲. «بررسی سبک و درون مایه آثار داستانی نادر ابراهیمی»، (۱۳۹۲)، پایان‌نامه دانشجویی دوره کارشناسی ارشد، راضیه محمدمپور، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه. «تحلیل تطبیقی مفاهیم مشترک رباعیات حکیم عمر خیام و مائده‌های زمینی آندره ژید»، (۱۳۹۰)، حسن امامی و ابراهیم محمدی، پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان، دوره ۱۶، شماره ۶۳.

در این پژوهش که بر اساس رویکرد مطالعات تطبیقی مکتب آمریکایی (اشتراکات، تضادها، قرابت‌ها و شباهت‌ها) صورت می‌گیرد، ابتدا به جایگاه عشق در هر دو اثر پرداخته می‌شود و در گام بعدی مفاهیم موجود در در تنگ بر اساس ترجمه عبدالحسین شریفیان استخراج شده و با مفاهیم موجود در چهل نامه کوتاه به همسر تطبیق داده می‌شود. برای پرداختن به مباحث نظری مورد بحث این مقاله، نگارندگان با تحلیل نمونه‌هایی از هر دو اثر، تلاش می‌کنند آموزه‌های اخلاقی آن‌ها را در چارچوب دیالوگی اثربخش از میان شخصیت «آلیسا» در در تنگ و همسر در چهل نامه کوتاه به همسر به گونه‌ای مطرح سازند که تلفیق عشق و ایثار دست‌مایه تحولی ژرف گردد: باورپذیری پایه و اساس تعالی انسانی است.

۲.۱. مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی

مکتب تطبیقی آمریکایی، با انتقاد تطبیق‌گران آمریکایی به مکتب فرانسوی (تأثیرگذاری و اثرپذیری) شکل گرفت. در واقع «مکتب آمریکایی در ادبیات تطبیقی در پی ایجاد همبستگی میان ادبیات و هنرها بوده و صرفاً به مقایسه دو اثر ادبی با زبان‌های متفاوت با تأکید بر جنبه‌های ذوقی و هنری برای نمود وجود اشتراک و اختلاف آن‌ها می‌باشد» (عبود و دیگران، به نقل از میرزایی و آریانپور، ۱۳۹۳: ۳۳۱). بنابراین حضور آشکار مؤلفه‌های عشق در در تنگ و چهل نامه کوتاه به همسر را می‌توان با این نوع رویکرد مرتبط دانست.

۳. بحث و بررسی

پژوهش حاضر می‌کوشد تا در گام اول مؤلفه‌های عشق را در رمان در تنگ و چهل نامه کوتاه به همسر استخراج کند و ارائه دهد و سپس به تحلیل و بررسی آن‌ها بپردازد. اگر بپذیریم که عشق و انسان

دغدغه مشترک این دو نویسنده است، باید برای بررسی تطبیقی نوشتار آن‌ها در بیان عشق از شیوه مکتب آمریکایی که مبتنی بر شباهت و نزدیکی است، استفاده کنیم. با توجه به تنوع مضامین عشق در دو اثر، برآن شدیم تا دیدگاه آن‌ها را در قبال عشق به سه گروه دسته‌بندی کنیم تا الهامات فکری‌شان در توصیف عنصر عشق در تمایلات مذهبی و روابط اجتماعی به‌وضوح قابل بررسی باشد.

۱- عشق به ایثار (فداکاری) ۲- عشق به همسر (صداقت) ۳- عشق به وفاداری (تعهد)

۳.۱. آندره ژید

در ۲۲ نوامبر ۱۸۶۹ در پاریس چشم به جهان گشود. پدر ژید، استاد حقوق بود و پس از مرگ وی، تحت تربیت مادر سختگیر و مذهبی‌اش پرورش یافت. او در فلسفه به کشف شوپنهاور^[۱] پرداخت. در سال ۱۹۴۷ به دلیل نوشته‌های هنرمندانه‌اش که در آن‌ها مسائل و مشکلات انسان‌ها را با عشق به حقیقت و با رویکرد روان‌شناسانه، شجاعانه به تصویر کشیده بود، جایزه نوبل ادبیات را به دست آورد. رمان در تنگ اولین خلق ادبی او بود و به دلیل بیان تمایلات افراطی آلیسا در اعتقادات مذهبی‌اش، ستایش‌های فراوانی را برانگیخت. در مانده‌های زمینی که در ستایش شادی، شوق به زندگی و غنیمت‌شمردن لحظات نگارش شده‌است، ژید عشق به هستی را مترادف عشق به خداوند می‌داند. در تمامی آثارش، ژید با به تصویر کشیدن مشکلات شخصی‌اش مانند یک تحلیل‌گر واقعی خود را در موقعیت‌های مختلف و متضاد نشان می‌دهد.

۳.۲. نادر ابراهیمی

در سال ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد و نوشتن را از ۱۶ سالگی شروع کرد. در رشته حقوق پذیرفته شد، اما آن را به پایان نبرد. او سپس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی موفق به اخذ درجه لیسانس شد. نادر ابراهیمی نویسنده‌ای است که در زمینه‌های گوناگون طبع آزمایی کرده‌است. رمان، داستان کوتاه، قابل‌های تمثیلی، فیلم‌نامه، قصه‌های نمایشی، غزل، داستان‌های رمانتیک و شعر. از میان آثارش، کتاب چهل نامه کوتاه به همسر نمونه‌ای کامل از ستایش دوستی، محبت و عشق است که با زبانی لطیف و شیرین، آیین همسررداری را به اوج خود می‌رساند. رمان‌های «بار دیگر، شهری که دوست می‌داشتم» و «یک عاشقانه آرام»، توصیفی جذاب از جهان‌بینی نادر ابراهیمی‌اند که ملودی زیبای آفرینش هستی را در الفاظ حکیمانه به تصویر می‌کشند.

۳.۳. مؤلفه‌های عشق

۳.۳.۱. عشق به ایثار (فداکاری)

اهمیت دادن به مضمون عشق در مکتب آمریکایی تقریباً در نوشتار تمامی نویسندگان ادبیات جهانی به چشم می‌خورد و بی‌مناسبت نیست که در تنگ ژید و چهل نامه کوتاه به همسر را در کنار هم قرار دهیم.

در رمان در تنگ، پیوند میان عشق، ایمان و پرهیزگاری نماد وحدت یک رابطه حسی و عاطفی است که برگرفته از تفکری معنوی است که می‌تواند در مفاهیمی همچون دوست‌داشتن و فداکاری مطرح باشد.

از این منظر، می‌توان گفت که در تنگ به تمایلات مذهبی ژید مربوط است و درون‌مایه اصلی آن از خودگذشتگی، پروتانتیسم و دین‌داری است. ژروم عاشق آلیسا (دختر دای‌اش) و شخصیتی گوشه‌گیر، تودار و مرموز است که شدیداً تحت سرپرستی مادر مستبد و مذهبی‌اش قرار دارد. آلیسا هم ژروم را دوست دارد، اما برای رسیدن به سعادت اخروی مسیر تقدیس را انتخاب می‌کند و به سمبل عشق محال مبدل می‌گردد:

«به نظر ژید، سعادت آسمانی نیازی به رنج‌کشیدن ندارد. سعادت آسمانی با تحقیر سعادت زمینی به‌دست نمی‌آید. مقدس‌گرایی آلیسا توخالی است. او خود را وقف خدا می‌کند، اما به‌جای رسیدن به خدا تمام ذهن او مشغول ژروم گشته است. آلیسا یک عارف واقعی نیست. تمایلات عرفانی او که بر پایه سرکوب بنا شده، شکست می‌خورد» (حضور، ۱۳۸۸: ۹۳).

برای ژید تعصب آلیسا در قبال دین مسیح از بین بردن فرصت زیستن است و با بی‌اعتنایی به نویدهای اخروی اعتراض خود را بدین گونه بیان می‌کند: «در انجیل برایم می‌خواندند که آدمی از آنچه امروز خود را از آن محروم بدارد، فردا صد برابر آن را باز خواهد یافت... آه، نعمتی بیش از آنچه هوسم بتواند از آن بهره گیرد به چه کارم می‌آید؟» (ژید، ۱۹۰: ۱۳۳۴). اگر ژید از اهمیت زندگی و فداکاری برای رسیدن به عشق الهی سخن می‌گوید به‌خاطر این است که مفهوم عشق به پروردگار در رفتار افراطی آلیسا هیچ توجیهی ندارد، مگر آن‌که به باوری ایمانی تبدیل شود: آیا انتخاب عشق زمینی باعث ایجاد فاصله بین آلیسا و پروردگار می‌شود؟ به‌گمان او ازدواج با ژروم مانع بزرگی در خوشبختی مشترکشان به‌وجود خواهد آورد: «برای آلیسا- این عارف غیرواقعی- خوشبختی و قداست در یک معنا نمی‌گنجد» (حضور، ۱۳۸۸: ۹۳). اما گرایش عشق به ایثار در چهل نامه کوتاه به همسر متفاوت است و در کلام صادقانه ابراهیمی این‌گونه توصیف می‌شود: «من از عشق زمینی حرف می‌زنم که ارزش آن در «حضور» است نه در محو و نابود شدن یکی در دیگری» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۱۳). در رمان در تنگ، با تقابل عشق زمینی و عشق آسمانی، ژید نشان می‌دهد که با تأثیر کلام مسیح، آلیسا برای رسیدن به سعادت ابدی، خوشبختی دنیایی خود را قربانی می‌کند: «هرکس که به‌خاطر من از زندگی دنیایی‌اش بگذرد دوباره آن را به‌دست خواهد آورد» (حضور، ۱۳۸۸: ۹۳). اما در واقع این پیام مذهبی به این معنا نیست که انسان باید به ریاضت روی آورد و سعادت دنیایی خود را برای رستگاری‌اش فدا کند. به‌وضوح می‌توان همین دیدگاه را در نوشتار ابراهیمی درباره ایثار در عشق جست‌وجو کرد: «عشق، انحلال کامل فردیت است در جمع» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۱۲). در حقیقت این انحلال هرچند در مکاتبات ابراهیمی در زندگی مشترک توجیه می‌شود، ولیکن در رمان در تنگ معنای ایثار و ریاضت دارد و به نوعی تکلیف اجباری مبدل می‌گردد: «تقدس چیزی انتخابی نیست، بلکه یک وظیفه یا پیمان است» (ژید، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

ژید که ارزش واقعی زندگی را در وعده‌های اخروی نمی‌داند، بر این باور است که حس حقیقت‌جویی بالاترین مرتبه تفکر نزد انسان است و به‌واسطه آن می‌تواند از سنت‌های گذشته پیشی گیرد و شور و شوق را تجربه کند: «آدمی جز یک بهار در زندگی ندارد» (ژید، به نقل از امامی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۵). از دید ژید کشاکش سرسختی و اعتدال در درک واقعیت‌های زندگی یکی از شاخصه‌های مهم پیشرفت انسانی است:

«ژید ایمان خالص و درک زهد و تقوی راستین را در رها کردن روح از اسارت و سپردن همه وجود به امواج آزادی و رهایی می‌داند. این اندیشه اگر در ابتدا نمایانگر تن دادن او به سرکشی‌ها و دل سپردن او به هوس‌ها و لذت‌ها بود، اما بیانگر این اعتقاد هم بود که راز و رمز ایمان به خالق یگانه، در درک حقیقتی از رهایی و آزادی است» (زند، ۱۳۹۵: ۵۲).

بنابراین رمان در تنگ، آیینۀ تمام‌نمای دو دیدگاه متفاوت از عشق و ایثار است که می‌تواند به بوتۀ تحلیل و تطبیق سپرده شود و شخصیت آلیسا از نگاه او نمونه‌ای از این تقابل نهان و آشکار است: «آدمی که پروردگار را دوست دارد بر اثر نجابت و اصالت طبیعی و فطری، و نه به خاطر اجر (اخروی)، به فضیلت و پرهیزگاری روی می‌آورد» (ژید، ۱۳۸۲: ۱۴۴). نوگرایی ژید در غالب طرح موضوع عشق الهی و زمینی به اشتغالات فکری او مربوط می‌شود. و این که چرا ژید تمایل داشته‌است با پرداختن به مضمون عشق در آثار خود راه شناخت ایمان را هموار سازد، به گفته خود او در سکه‌سازان: «از میان همه شکل‌های ادبی... آزادترین و بی‌قانون‌ترین است» (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۵۹). در واقع، عشق معیاری است برای سنجش پویایی انسان در مقابل و سوسه‌های ناپایدار و در رمان در تنگ، این خصیصه در رفتار آلیسا توجیه می‌گردد. ابراهیمی نیز به نوبۀ خود بار عاطفی عشق را در تعهد و هم‌دلی می‌داند و اعتقاد دارد که تداوم آن در احساس یکی شدن است. با این حال، قرابت تفکرات این دو نویسنده در پرداختن به نقش عشق معنوی در سعادت اخروی در فداکاری و ایثار معنا می‌یابد. آنچه اندیشه ژید را از ابراهیمی متمایز می‌کند تحول درونی است که در رمان در تنگ به صورت عصیان مذهبی و در کتاب چهل نامه کوتاه به همسر در باورپذیری آشکار می‌شود. در جدول زیر سیر تحول عشق به ایثار در شخصیت «آلیسا» و «همسر» نشان داده می‌شود:

جدول ۱. تقابل عشق به ایثار نزد شخصیت‌ها

عشق به ایثار	آلیسا	همسر
اعتقاد	درک افراطی از مذهب	صراحت کلام در بیان
وابستگی	درون‌نگری متواضعانه	تعادل میان واقعیت درون و برون
پایداری	ریاضت جسمانی نشانه سعادت اخروی است.	پیوند میان روح و جسم پرهیزگاری است.

تضاد دیدگاه ژید و ابراهیمی در قبال مضمون عشق را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد؛ عشق از نظر آلیسا تزکیه روح است و از نظر همسر ارتقاء فکر. در عوض، قرابت فکری آن‌ها در پرداختن به عنصر عشق در گرایش به احساسات پرشور انسانی است: «محبت را در گلدان طلایی جواهرنشان کاشتن و امید رویش و باروری داشتن، اشتباهی است که به آسانی جبران‌پذیر نیست» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۰۴). عشق هم‌زمان آلیسا به خدا و ژروم نه تنها از احساسات مذهبی او نمی‌کاهد، بلکه بیشتر نویسنده رمان در تنگ را در معرض شک اغراق‌آمیز (Le Cogito ou le doute hyperbolique) قرار می‌دهد: «من هر لذتی را که جسمم همه‌روزه آرزومند آن است و آنچه روحم را در این راه بر خود هموار می‌کند، می‌شناسم سپس خوابم آغاز خواهد شد. و پس از آن زمین و آسمان دیگر در نظرم هیچ ارزشی ندارد» (ژید، ۱۳۳۴: ۴۵).

۳.۳.۲. عشق به همسر (صداقت)

نگارش رمان در تنگ به مرگ معشوقه آندره ژید، آنا شاک لتون (Anna Shackleton) مربوط می‌شود و نویسنده در خاطرات خود در سال ۱۸۹۱ اظهار می‌کند: «به داستانی فکر می‌کردم که یادآور مرگ آنا باشد و توصیفی از یک مردن سعادتمند» (ماسون و ویت من، ۲۰۱۱: ۳۲۰). این داستان بعدها به نام «در تنگ» معرفی می‌گردد و در سال ۱۹۰۳ با احساسات سرد ژید و مادلین (Madelaine) پیوند می‌خورد و تا جایی پیش می‌رود که فرار و خیانت لوسیل (Lucile) مادر آلیسا، وی را به سوی پاک‌دامنی می‌کشاند. در واقع تصویر زن در رمان در تنگ، کاملاً مشهود است و تبلور عشق به همسر در خاطرات نویسنده به اوج خود می‌رسد: «زندگی بی او، دیگر برایم مفهومی نداشت. او را در رؤیاهایم همه‌جا همراه خود می‌دیدم، همچنان که در گردش‌های صبحگاهی تابستان در لاروک، با خود از میان جنگل می‌بردمش» (مارتن، ۱۳۹۲: ۵۳).

در چهل نامه کوتاه به همسر صراحت گفتار، تکریم، مهرورزی و دوست داشتن درون‌مایه اصلی نامه‌های دوستانه ابراهیمی به همسرش می‌باشد که نمونه کاملی از عشق واقعی و وفاداری است. او در این نامه‌ها به نیاز انسان به عشق و نوع دوستی اشاره می‌کند و یکی از علل همبستگی روحی و عاطفی را ابراز علاقه و دوستی عمیق می‌داند. او اهمیت صداقت در بیان احساسات نسبت به همسرش این‌گونه بیان می‌کند: «بانوی بزرگوار من! عطرآگین باد و بماناد فضای امروز خانه‌مان/ و فضای خانه‌مان، همیشه، در چنین روزی که روز عزیز ولادت پربرت تو برای خانواده کوچک ماست...» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۳). عشق و چگونگی بیان آن در عصر جدید با ادوار گذشته تفاوت‌هایی کرده‌است. انسان امروز تا حدودی از کلیشه‌های عشق می‌گریزد و سعی می‌کند با پرهیز از رابطه تیپیک، به عشقی متفاوت و منحصر به فرد دست یابد؛ بنابراین هر رابطه عاشقانه معادله تازه‌ای است و هویت متفاوتی دارد. با این رویکرد در نادر ابراهیمی حالت خاص عاشقانه وجود دارد. هرچند تجربه ابراهیمی و ذهنیت او نیز وجه تازه‌ای بر این گوناگونی می‌افزاید: «ابراهیمی زندگی سخت و پردرد و رنجی را پشت سر گذاشت. دردهای اجتماعی و دغدغه‌های انسانی و عشق او در طول زندگی‌اش سرچشمه حیات و حرکت او بود» (مسعودی‌فرد، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

ابراهیمی عشق به همسر را یکی از جلوه‌های تعالی انسانی می‌داند که اندک‌اندک شکل آرمانی به خود می‌گیرد: «اگر عشق و خاطرات عاشقانه ما، که تنها مایملک شخصی ماست، به یک الگوی طلا آویخته باشد، مطمئن باش که آن عشق و خاطرات چندان اعتباری نیست...» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۰۵). عشق به همسر سرلوحه دستگاه عاطفه نثر موزون ابراهیمی را تشکیل می‌دهد. این نگرش عاشقانه و عاطفی به همسر و رویدادهای اجتماعی، همراه با زبانی ساده، ولی درعین حال، روان و آهنگین، شکل و شیوه نثر او را برجسته می‌سازد. «نثر او تمایلی به خوش‌آهنگی و طنین کلاسیک دارد، این حالت را نویسنده با روحیه شاعرانه‌ای ترصیع کرده‌است و جهد او دادن آهنگ طبیعی به قصه‌هایی است که اغلب صورت تعلیم و تنقید خیر و شر دارند» (سپانلو، ۱۳۷۱: ۱۲۰). در نامه‌های عاشقانه ابراهیمی بیش از هر چیز، زبان محاوره و گفت‌وگوی مستقیم با همسرش خودنمایی می‌کند.

زبان هموار و سهل‌ممتنع او با وزن و موسیقی روان از عناصر عشق و تکریم به‌خوبی برخوردار شده‌است و در نتیجه، نوعی هم‌حسی و هم‌دلی به‌وجود می‌آورد:

«بانوی بزرگوار من! چرا قضاوت‌های دیگران در باب رفتار، کردار و گفتار ما، تو را تا این حد مضطرب و افسرده می‌کند؟ چرا دائماً نگرانی که مبادا از ما عملی سرریزند که داوری منفی دیگران را از پی بیاورد؟ راستی این «دیگران» که گه‌گاه این‌قدر تو را آسیمه‌سر و دلگیر می‌کنند، چه کسانی هستند؟» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۳۷).

ابراهیمی خواهان عشق معمولی نیست، او همیشه دنبال عشقی است که وقار و شأن انسانی را با تکیه بر معیارهای اصیل ایرانی که همان بیان صادقانه است، به تصویر بکشد:

«امروز که روز تولد دوست، و صبح بسیار زود برخاستم تا باز بکوشم که در نهایت تازگی و طراوت، نامه کوچکی را همراه شاخه گلی بر سر راه تو بگذارم تا بدانی که عشق، کوه نیست تا زمان بتواند ذره ذره بسایدش و بفرساید، ناگهان احساس کردم که دیگر واژه‌های کافی نامکرر برای بیان احتیاج و محبتم به تو در اختیار ندارم...» (همان: ۷۹).

در هر حال، راز عشق نزد ابراهیمی و ژید به همسر تنها در مضمون آن نهفته نیست، بلکه در پردازش واقعی آن مضمون نیز هست. برای ژید مادلن در شخصیت امانوئل (Emanoël) تداعی می‌شود و برای ابراهیمی در هلیا. کلود مارتن در این باره می‌نویسد: «ژید در پاره‌ای از نسخه‌های چاپ اصلی «دفتراهای آندره والتر»، نام مادلن را به جای امانوئل آورده بود؛ امانوئل، اگر نه در واقعیت، دست کم در ذهن جوان او، تجسم کامل مادلن بود» (مارتن، ۱۳۹۲: ۹۱). در این تصویر ذهنی از امانوئل، ژید از مادلن شخصیت دوگانه‌ای می‌آفریند و او را تا سرحد یک همسر آسمانی و وارسته به تقوای عارفه‌ای وصف می‌کند «چهره کامل او را در «آلیسا»ی در تنگ دیده‌ایم» (همان). در رمان بار دیگر، شهری که دوست می‌داشتیم، تلاقی وسوسه عاشقی ژید و ابراهیمی، در شخصیت هلیا مشاهده می‌شود: «هلیا! برای دوست داشتن هر نفس زندگی، دوست داشتن هر دم مرگ را بیاموز و برای ساختن هر چیز نو، خراب کردن هر چیز کهنه را برای عاشق عشق بودن، عاشق مرگ بودن را» (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۴۰). هلیا و عشق پراالتهاب ابراهیمی نسبت به او همانند امانوئل تداعی کننده همسر واقعی نویسنده است و همان عشقی نیست که در کلام ساده و پرشور عادی معشوق بیان می‌شود.

«این عشق آموزه‌ای است احساساتی، کیشی است رمانتیک، وضعیتی است آسیب‌شناختی که می‌توان به‌طور مصنوعی آن را تحریک کرد، وضعیتی که آرمان خود را نه در هیئت یک دوشیزه بلکه در شکل همسری می‌یابد که از ستایش و خدمتگری به او نیرویی اخلاقی از آن نوع پدید می‌آید...» (حق شناس، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

بنابراین می‌توان گفت این کیش مبتنی بر بانو برگرفته از یک گرایش به کمال است که منعکس‌کننده وقار و شأن او به آیین همسر داری است.

آندره ژید در مورد عشق خود به مادلن می‌گوید: «گمان می‌کنم تنها هنگامی که عشق به مادلن از خواب غفلت بیدارم کرد، از وجود خود آگاه شدم و زندگی واقعی‌ام را آغاز کردم» (مارتن، ۱۳۹۲:

۴۶). با تأمل در این گفتار، به درستی می‌توان به عمق اعتقاد ژید به عشق به عنوان عنصری که مایهٔ احساس و نشاط در انسان است، پی برد؛ همان‌گونه که در رمان در تنگ مشاهده کرده‌ایم، گواه بر این مدعاست که خود را عاشق می‌پندارد: «ناگهان، در زندگی‌ام با طلوعی تازه روبه‌رو شدم...» (همان: ۳۹). نادر ابراهیمی نیز همانند ژید معنای زندگی را در عشق جست‌وجو می‌کند و با زبان مهر سخن می‌گوید و هرگاه حس تنهایی او را می‌آزارد، با زبانی نرم عشق‌ورزی می‌کند و اندوهی بر کلامش جاری است و تنها سلاح او برای غلبه بر ناامیدی‌ها عشق است:

«من و تو خوب می‌دانیم که عشق، در قفس واژه‌ها و جمله‌ها نمی‌گنجد- مگر آن‌که رنج اسارت و حقارت را احساس کند. عشق، برای آن‌که در کتاب‌های عاشقانه جای بگیرد، بسیار کوچک و کم‌بینه می‌شود. عزیز من! عشق، هنوز از کلام عاشقانه بسی دور است.» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۸۰)

بنابراین این دو نویسنده عشق و ایمان به وفای عهد را در معنای حقیقی خود دریافته و آن را در اعماق وجود خود به تعالی رسانده‌اند. در جدول شماره ۲ روایت عشق به همسر در نزد هر دو نویسنده گویای تکریم عشق و تزکیه روح است:

جدول ۲. اهمیت عشق به همسر در توصیف معشوقه‌های معنوی

عشق به همسر	امانوئل	هلیا
پیوند	تداعی عاشقانه	موعظهٔ معنوی
احساس	شادمانی فکری	تعالی روحی
دلبستگی	اثبات وجود	پایداری

آنچه در این تقابل به عنوان اشتراکات فکری ژید و ابراهیمی درخور تأمل است، نگاه آن‌ها به ماهیت عشق است که رؤیای آن در خلق شخصیت‌هایی همچون امانوئل و هلیا ارزش همسر را دوچندان می‌کند. ژید مانند ابراهیمی فروکاستی عشق را نمی‌پذیرد و اعتقاد دارد خوشبختی انسان‌ها در گرو این موهبت الهی است: «ای روح من، در گردش‌های افسانه‌ای خویش، به نحوی شگفت‌آور به وجد و شور درآمده‌ای! ای دل من! سخاوتمندانه سیرابت کرده‌ام. ای تن من! از عشق سرمست کرده‌ام» (ژید، ۱۳۳۴: ۱۷۷). برخلاف ژید، ابراهیمی اعتقاد دارد که هوس‌های عاشقانه می‌تواند در دلدادگی واقعی نمود پیدا کند: «بخواب هلیا! تنها خواب تو را به تمامی آنچه از دست رفته‌است، به من، و به رویاهای خوش بر باد رفته، پیوند خواهد زد.» (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۳۶).

۳.۳.۳. عشق به وفاداری (تعهد)

وفاداری، در کتاب‌های در تنگ و چهل نامهٔ کوتاه به همسر در باید‌ها و نباید‌های تفکرات هر دو نویسنده به مثابهٔ حرکتی نو به سوی تکامل فردی است و باور آن در شیوهٔ بیان و رفتار شخصیت‌ها متبلور می‌شود. نقطهٔ آغازین رمان در تنگ بی‌گمان عشق است که جذاب‌ترین و درعین‌حال، چالش‌برانگیزترین موضوعاتی است که در اشکال مختلف به آن پرداخته شده و ژید با استفاده از پارادوکس آن را در پاسخ ژروم به آلیسا برجسته‌تر و دلنشین‌تر نشان می‌دهد: «نه این‌طور نیست،

من عاشق یک خیال نشده‌ام، آلیسا (...). عاشق موجودی که ساخته و پرداخته تصورات تو است» (ژید، ۱۳۸۲: ۱۴۸). در این رمان، ژید تصویری کامل از واقعیت‌های زندگی‌اش ارائه می‌دهد که تحت تأثیر کتاب مقدس است و تبلور چنین عشق واقعی در دل او بیانگر ایمان و باور قلبی اوست. چنان که مارتن می‌گوید:

«از آن شب زمستانی نزدیک سال نو- شبی که آندره ژید جوان، ناگهان «مشرق تازه‌ای» در افق زندگی خود دید و چشمانش «مانند چشمان آن کور مادرزاد، پس از دستی که مسیح بر آن‌ها کشید» باز شد- دو روایت در دست داریم: روایت نخستین به‌طور مستقیم در زندگی‌نامه او «اگر دانه نمیرد» آمده و روایت دوم که به اصطلاح شکل داستان به خود گرفته، در فصل اول در تنگ بازگو شده‌است» (مارتن، ۱۳۹۲: ۴۹).

با تأمل در تغییر حالت روحی ژید به‌درستی می‌توان اهمیت عشق را در اعتقاد او به‌عنوان عنصری که مایه سعادت بشر و رستگاری اوست، پی برد؛ عشق به مادلن و واکنش‌های احساسی او نشان از بلوغ فکری اوست. اگر بپذیریم که وفاداری محرک اصلی پیوندهای روحی و عاطفی است، در این حالت می‌توان تبلور آن را نقطه آغازین بالندگی دانست: تعادل میان تمایلات نفسانی و گرایش‌های معنوی. ژید و ابراهیمی توانسته‌اند پریشانی و سرگستگی ناشی از ناامیدی در عشق را در بالندگی آن جست‌وجو می‌کنند. ژید با به تصویر کشیدن آلیسا در رمان در تنگ، تقوای افراطی او را به‌شدت محکوم می‌کند و ابراهیمی با تحقق بخشیدن به خوشبختی، وفاداری در عشق را به اثبات می‌رساند: «خوشبختی را، تنها به مدد طهارت جسم و روح، در خانه کوچکمان نگه داریم» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۲۶).

از نگاه ابراهیمی، وفاداری، عامل اساسی برای زندگی مشترک است و زن و یا مرد در برخوردار شدن از آن به هم برتری ندارند: «به‌راستی که چه درمانده‌اند آن‌ها که چشم تنگشان را به پنجره‌های روشن و آفتابگیر کلبه‌های کوچک دیگران دوخته‌اند.../ و چقدر خوب است که ما- تو و من- هرگز خوشبختی را در خانه همسایه جست‌وجو نکرده‌ایم» (همان: ۶۱). برای نویسنده ایرانی، عشق به وفاداری نه تنها موجب سعادت انسان می‌شود بلکه می‌تواند در ژرفای وجود انسان ایمانی به وجود آورد که در تحکیم رابطه دوجانبه میان انسان و جامعه مهم باشد. ابراهیمی ایمان را در عشق و عشق را در منزلت انسانی کشف می‌کند و بر این باور است که وفاداری یک تعهد معنوی است:

«عزیز من! خوشبختی نامه‌ای نیست که یک روز، نامه‌رسانی، زنگ در خانه‌ات را بزند و آن را به دست‌های منتظر تو بسپارد. خوشبختی، ساختن عروسک کوچکی‌ست از یک تکه خمیر نرم شکل‌پذیر... به همین سادگی، به خدا به همین سادگی؛ اما یادت باشد که جنس آن خمیر باید از عشق و ایمان باشد نه هیچ چیز دیگر...» (همان: ۶۶).

با توجه به رویکرد مضمون عشق در نزد هر دو نویسنده، وفاداری به آن وسیله‌ای است برای ارزیابی احساسات و عواطف انسانی به‌گونه‌ای که تیرگی و کم‌رنگی آن می‌تواند دست‌مایه هر ناملایمات روحی گردد.

عشق ژروم و آلیسا در واقع تصویری از عشق ژید به مادلن است که در رمان در تنگ سمبل عشق الهی است و در باور نویسنده جوان به تعالی و بالندگی می‌رسد: «عشق احترام‌آمیزی که آندره ژید نوجوان به مادلن داشت، دلهره او را که با احساس گناهکاری می‌خواست فقط نیمه پاک خود را به دختر دایی‌اش هدیه دهد- چون نمی‌توانست «نیمه دیگر» را از میان بر دارد- پابرجا تر کرد» (مارتن، ۱۳۹۲: ۵۳). در واقع عشق میان ژید و مادلن برگرفته از شور و اشتیاق او به غرایض انسانی است ولیکن در گذر این فرایند طبیعی شکل آرمانی به خود می‌گیرد و ناگزیر از هواهای نفسانی دوری می‌جوید: «برای این که پاک‌ی‌اش را آشفته نسازم، از هر گونه نوازشی، حتی پاک‌ترین آن‌ها خودداری خواهم کرد...» (همان). تقابل چنین دیدگاهی از عشق نزد ژید و ابراهیمی علاوه بر اهمیت آن در تقویت خواسته‌های مشروع انسان، می‌تواند در بستر زمان مبدل به عشقی فرازمینی گردد و مظهر زیبایی مطلق باشد؛ وفاداری به عنوان یک موتیف و نشانه نمادین در تفرکات دو نویسنده پاک‌ی و عشق را القا می‌کند. همان‌طور که خود ژید می‌گوید: «شاید عشقی که به دختر دایی‌ام داشتم، به تقلید از عشق الهی، موجب شده بود که به آسانی بیش از حد با دوری او بسازم» (همان). بی‌تردید، عشق ابراهیمی به همسر، و ژروم (ژید) به آلیسا (مادلن) گسترش صلح و معرفت است، با نگاه مهرورزانه به ایمانی که برای نگرستن به خود و فردیت خود فراهم آمده‌است: «عاشق، بهانه نمی‌گیرد. عاشق، نق نمی‌زند. عاشق، در باب زندگی، سخت نمی‌گیرد. تخم‌مرغ تازه پخته، عطر ماندگاری دارد. عاشق، به نان خالی و ظرف پر از محبت راضی است». (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۲۶)

در رمان در تنگ بیان عشق همانند کتاب چهل نامه کوتاه به همسر واقعی است و صحت و صداقت دارد. هنگامی که ژروم از آلیسا در باره پیوند مشترکشان سخن می‌گوید این عبارات را از زبان او می‌شنود: «عزیزم! من با تو خوشبخت‌تر از آن هستم که می‌پنداشتم امکان دارد بتوانم حس کنم... اما، باور کن، ما برای خوشبختی زاینده نشده‌ایم» (ژید، ۱۳۸۲: ۱۳۲). خوشبختی از دیدگاه آلیسا در لحظه‌ای به اوج خود می‌رسد که دیدار او با معشوق واقعی خود همانا تجلی این احساس در دل ژروم است «و او آن قدر آهسته و نجاگونه گفت: «تقدیس» که بیشتر احساس کردم آن را در عالم رؤیا و دیدار شنیده‌ام نه از زبان کسی. خوشبختی‌ام پر و بال را گشود و از درون قلبم به در آمد و به سوی آسمان‌ها پرواز کرد» (همان: ۱۳۳). ترکیب عشق و تقدیس در تحکیم روابط انسانی تا حدی اهمیت دارد که ژید می‌نویسد: «اگر کسی گمان کند که من چهره مادلن را در در تنگ ترسیم کرده‌ام، اشتباه بزرگی خواهد کرد! تقوای مادلن، هرگز نه زورکی بود و نه افراط‌کارانه». (همان: ۱۳۰)

به روش ژید، می‌توان این خوشبختی پایدار را در مکاتبات ابراهیمی با همسرش مشاهده کرد و به این باور دست یافت که درون مایه هر کلام عاشقانه در توصیف زیبایی‌های آن است: «خوشبختی را چنان تعریف نکنیم که گویی سیمرغی باید آن را از قلّه قافی بیاورد. خوشبختی، عطر مختصر تفاهم است که اینک در سرای تو پیچیده و عطری است باقی که از آغاز تا پایان این راه، همیشه می‌توان بوییدش» (ابراهیمی، ۱۳۶۸: ۱۲۵). گرچه خوشبختی مد نظر ژید با ابراهیمی متفاوت است ولیکن نقطه تلاقی آن عدم وابستگی به لذت‌های دنیوی است و در نوشتار هر دو نویسنده نمود تازه‌ای دارد. در این رهگذر، عشق به وفاداری، یکی از دل‌مشغولی‌های آن‌هاست به گونه‌ای که مفهوم

عشق در یک عاشقانه آرام نادر ابراهیمی این گونه بیان می‌شود: «عشق به دیگری ضرورت نیست، حادثه است. عشق به وطن، ضرورت است، نه حادثه. عشق به خدا ترکیبی است از ضرورت و حادثه» (ابراهیمی، ۱۳۷۴: ۹). حال آن که از نگاه آندره ژید وفاداری به مثابه نوعی خوشبختی است که با تقوا پیوند خورده است و در یادداشت‌های روزانه آلیسا به چشم می‌خورد «اما برخی از روزها، افسوس! تقوا در نظرم فقط مانند مقاومتی در برابر عشق نمایان می‌شود. با این همه، مگر می‌توانم جرأت بورزم و طبیعی‌ترین تمایل قلبی خود را تقوا بنامم؟» (مارتن، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

مؤلفه‌های عشق یکی از چشم‌اندازهای اساسی در نوشتار حکیمانه ژید و ابراهیمی است. نویسندگان با این جان‌مایه‌های درونی، خود را به معنویت زندگی پیوند می‌زنند و عشق را پایه و اساس هر تحول انسانی می‌دانند. در جدول زیر همچنین می‌توان تقابل عشق به وفاداری را بررسی نمود:

جدول ۳. توجیه وفاداری در کلام حکیمانه ژید و ابراهیمی

عشق به وفاداری	ژید	ابراهیمی
شیفتگی	بلوغ (تمایلات غربزی)	تکلیف (گرایشات معنوی)
بلندگی	خودسازی فردی	متانت باطنی
تداوم	اشتیاق	تعهد

وفاداری در اینجا به معنای عروج و رسیدن به کمال انسانی است، یعنی تسلیم در برابر عشق حقیقی و توجه داشتن به نقش انسان در مواجهه با ناملایمات احساسی-عاطفی. تعهد ابراهیمی به همسر و علاقه ژید به مادلن نمونه‌های بارز یک عشق متعالی‌اند.

نتیجه‌گیری

دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های عشق در رمان در تنگ و کتاب چهل نامه کوتاه به همسر در تقابل تفکرات ژید و ابراهیمی مهم بوده‌اند و دو نویسنده با پرداختن به عنصر عشق، تعالی انسانی را در ایثار، صداقت و وفاداری جست‌وجو کرده‌اند. اشتراکات دیدگاه دو نویسنده از نگاه مکتب آمریکایی تطبیقی در قبال عشق‌ورزی به همسر در گفتار صادقانه در تنگ و تمثیلات حکیمانه چهل نامه کوتاه به همسر مورد بررسی قرار گرفت. از آن جهت که مکتب آمریکایی عشق و انسان را بر مرزهای زبانی ترجیح می‌دهد، بنابراین قرابت تفکرات ژید و ابراهیمی را می‌توان در این مکتب جست‌وجو کرد و به این حقیقت دست یافت که نزدیکی این دو نویسنده، نتیجه عشق‌ورزی مشترک آنهاست. هر دو نویسنده در پروراندن موضوع عشق نسبت به یکدیگر تفاوت دارند؛ به طوری که ژید از ایمان افراطی آلیسا سخن می‌گوید و تعصب او به آموزه‌های دینی، نماد یک کنجکاوی عارفانه است (سرزنش)، اما ابراهیمی از عشق به همسر به یک تکامل معنوی روی آورده است (تکریم). وجوه مشترک ژید و ابراهیمی صداقت آنهاست به گونه‌ای که عشق به همسر به محور اصلی نوشتار واقعی آنها تبدیل شده است. عشق ناممکن آلیسا و ژروم جدال میان عشق مجازی و عشق حقیقی است و ابراز عشق ابراهیمی به همسرش

پیوند میان روح و جسم می‌باشد. به بیان دیگر، از مقایسه این دو اثر، شباهتی نزدیک و نوعی یگانگی در اندیشه ژید و ابراهیمی دیده می‌شود. این شباهت و نزدیکی در مؤلفه‌های عشق به گونه‌ای توجیه می‌شود که هر دو نویسنده عشق و دلدادگی را در احساسات عمیق انسانی دنبال می‌کنند: برتری اصالت عشق بر هوای نفس. همان‌گونه که مشاهده کردیم، درک مفهوم عشق و تبلور آن در کرامت انسانی نشانه نوعی تفکر عمیق است که ژید و ابراهیمی از آن به‌عنوان موهبت الهی نام برده‌اند؛ عشق آلیسا به خداوند و انعکاس آن در شخصیت ژروم و عشق ابراهیمی به همسر و رسیدن به سعادت اخروی، بن‌مایه‌های تکامل فردی است. توصیف عشق در کلام مشترک دو نویسنده غربی و شرقی نشأت گرفته از یک نوع هم‌دلی ذاتی است؛ یعنی رسیدن به یک تعادل روحی و فقدان آن به‌مثابه تضاد میان عشق حقیقی و عشق مجازی مطرح می‌باشد. شخصیت‌سازی امانوئل و هلیا در رمان در تنگ و کتاب چهل نامه کوتاه به همسر، نماد اهمیت عشق به جاودانگی است که در آن‌ها به‌صورت تداعی عاشقانه و موعظه معنوی تجلی می‌کند. در واقع، تفاوت ملیت‌ها و فرهنگ‌ها نزد دو نویسنده تا حدی به هم نزدیک می‌شود که عشق به‌عنوان یک موهبت الهی پیام مشترک آن‌ها می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. طبق این فلسفه، انسان «حیوان باشعور» و عاقلی است. شوپنهاور انسان را «حیوان فلسفی» می‌نامد.
 ۲. «کوژیتو یا شک اغراق آمیز»: قربت این ایده دکارتی با تفکرات آندره ژید که در تصویر آلیسا به پارادوکسی تبدیل شده‌است، می‌تواند در رویکرد جرج پوله نسبت به هستی بخشیدن به زندگی همسو باشد: «من می‌دانم که وجود دارم، اما چیزی را در درون خود کشف نمی‌کنم که مایه نشاطم شود. هستی من دلیل کافی ندارد. این هستی برایم درونی است. من در عمق درونم یک موجود احتمالی هستم.» (جرج پوله، نقطه شروع، مطالعه درباره عصر انسان، جلد سوم، انتشارات پولون، پاریس، ۱۹۶۴، ص ۲۱۸ (ترجمه از نویسندگان)
3. Pierre Masson et Jean-Michel Wittmann, Dictionnaire de Gide, Garnier, Paris, 2011 (ترجمه از نویسندگان).

منابع

- ابراهیمی، نادر. (۱۳۶۸). *چهل نامه کوتاه به همسر*. تهران: انتشارات روزبهان.
- (۱۳۷۴). *یک عاشقانه آرام*. چاپ چهل و یکم. تهران: انتشارات روزبهان.
- (۱۳۹۶). *بار دیگر، شهری که دوست می‌داشتم*. چاپ سی و دوم. تهران: انتشارات روزبهان.
- امامی، حسن؛ محمدی، ابراهیم و زارعی، ملیحه. (۱۳۹۰) «تحلیل تطبیقی مفاهیم مشترک رباعیات حکیم عمر خیام و مائده‌های زمینی آندره ژید». پژوهش ادبیات معاصر جهان. دوره ۱۶، شماره ۳، صص ۴۴-۲۵.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۱). *طلا در مس*. چاپ اول. تهران: انتشارات چهره.
- حضور، شیما. (۱۳۸۸). «بررسی معنویت در اثر در تنگ». گلستانه. شماره ۱۰۲. تهران.
- حق شناس، محمدعلی. (۱۳۹۰). *زبان و ادب فارسی در گذر گاه سنت و مدرنیته*. چاپ دوم. تهران: نشر آگه.

- زندى، معصومه. (۱۳۹۵). «بررسی مضامین عرفانی در مائده‌های زمینی آندره ژید و غزلیات حافظ». فصل‌نامه عرفانیات در ادب فارسی. شماره ۲۷. دانشگاه آزاد اسلامی همدان، صص ۵۸-۳۵.
- سپانلو، محمدعلی. (۱۳۷۱). **نویسندگان پیشرو ایران**. چاپ چهارم. تهران: انتشارات نگاه.
- ژید، آندره. (۱۳۳۴/۱۹۵۵). **مائده‌های زمینی و مائده‌های تازه**. ترجمه حسن هنرمندی. چاپ اول. تهران: انتشارات زوار.
- (۱۳۸۲/۱۹۰۹). **در تنگ**. ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران: انتشارات اساطیر.
- مارتن، کلود. (۱۳۹۲/۱۹۳۳). **آندره ژید**. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- لوی، برنارد. (۱۹۴۹/۱۳۸۵). «سوء تفاهم در عشق». ترجمه طاهره لطفی‌نیا. تهران. فصل‌نامه سمرقند، شماره ۱۶ و ۱۵ جلد اول، صص ۱۳۴-۱۲۷.
- مسعودی فرد، جلیل. (۱۳۹۳). «شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان یک عاشقانه آرام». فصل‌نامه مطالعات داستانی. سال دوم. شماره سوم، صص ۱۲۸-۱۰۹.
- میرزایی، سونیا و آریانپور، امیر اشرف. (۱۳۹۳). «بررسی تطبیقی رنج‌های ورتر جوان با لیلی و مجنون نظامی گنجوی». نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان. دوره ۶، شماره ۱۱، صص ۳۱۷-۳۳۵.

منابع فرانسه

- Poulet, Georges, (1964). *Le point de départ, Etudes sur le temps humain*, III. Paris: Plon.
- Pierre Masson et Jean-Michel Wittmann, (2011). *Dictionnaire de Gide*, Paris: Garnier.
- Ebrahimi, Nader, (1989), *Forty letters to my wife*, publication Roozbahan, Tehran.
-, (1995), *A quiet amorous*, publication Roozbahan, forty one impression, Tehran.
-, (2017) *Next time, the city that I loved it*, Thirty two impression, publication Roozbahan, Tehran.
- Imami, Hasan, Mohammadi, Ebrahim and Zarei, Malihe. (2011), *Analyze comparative the common concepts Robayat Omar Khayyam and the Nourriturs tereestres of André Gide*, Investigation the world literature contemporain, sixteen cycle, number 63, p. 25-44
- Barahani, Reza, (1992) *The gold in copper*, premier impression, Tehran, publication Chehre
- Hozoori, Shima, (2009), *Analyze the spirituality in the literary work the Tight door*, Golestane, number 102, Tehran.
- Hghshenas, mohammad ali, (2011), *the Persian langue and literature in the passage of tradition and modernity*, twice impression, Tehran, publication Agah.
- Zandi, Masoome, (2016). *Analyze the concepts mystic in nurtures terrestrial of Gide and the poems of Hafez*, seasonal mystical in literary Persian, number 27, university azad Islamic Hamedan, p. 35-58
- Sepanloo, Mohammadali. (1992), *The Avant guard writers*, four impression, Tehran, publication Negah.
- Gide, André, (1995), *The nourritures terrestres and the nouvelles nourritures*, translation by Hasan Honarmandi, premier impression, Tehran, publication Zavar.
-, (1909), *Tight door*, translation Abdolhossein Sharifian, Tehran, publication Asatir.
- Martin, Claude, (1933), *André Gide*, translation Mahasti Bahreini, Tehran, the centre of translation and publication the book Parse.

- Louis Bernard, (1949), *The misunderstanding in love*, translation by Tahereh Lotfinia, Tehran, seasonal Samarghand, number 15,16. Premier volume, p. 127-134.
- Masoodi fard, Jalil. (2014), *Personality and personalize in roman A quit amorous*, seasonal historical lectures, twice year, number 3. P. 109-128.
- Mirzaii, Sonia and Arianpoor, Amirashraf, (2014), *Analyze comparative the suffers the young verter with Lili and Majnoon of Nezami*, the publication comparative university shahid Bahonar Kerman, cycle 6, number 11, p. 317-335.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: یوسفی بهزادی مجید، رفیع زاده مریم، بررسی تطبیقی مؤلفه‌های عشق در رمان درتنگ اثر آندره ژید و کتاب چهل نامه کوتاه به همسر نادر ابراهیمی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۸۲-۶۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی